

یک، اول ماه مه ویژه



در صفحه ۳

علیرغم اقدامات شدید سرکوب گرانه دستگاه امنیتی برای ممانعت از حضور کارگران در تجمعات خیابانی اول ماه مه، اما مراسم‌های متعددی در شهرهای مختلف کشور به مناسبت روز جهانی کارگر برگزار شد. در رشت گروهی از کارگران و فعالان جنبش‌های اجتماعی روز جمعه ۹ اردیبهشت به استقبال اول ماه مه رفتند و مراسم به همین مناسبت برگزار نمودند. در این مراسم برخی فعالان کارگری و کارگران بازنشسته سخنرانی کردند. در برخی شهرهای کردستان از جمله سنندج نیز مراسم‌هایی به این مناسبت برگزار شد. در سنندج حضور

یورش طبقه حاکم به سفره کارگران و زحمتکشان از همان ابتدای سال

بر بازار نه دغدغه روزانه بنده، بلکه دغدغه هر لحظه بنده است. واقعا هر شب که به منزل می‌روم شاید تا پاسی از شب تلفن‌های بنده فقط در ارتباط با مساله وضعیت قیمت‌ها و مدیریت بازار با هدف حمایت از معیشت و زندگی مردم است. رئیسی در حالی وقیحانه این سخنان را بر زبان آورد که نه تنها در ماه‌های اخیر قیمت کالاهای

در صفحه ۱۰

در حالی که سفره کارگران و زحمتکشان روزانه کوچکتر می‌شود و سال‌هاست که نرخ تورم در ایران یکی از بالاترین نرخ‌های تورم در جهان است، ابراهیم رئیسی که در طول حضورش در دستگاه جنایتکار و فاسد قضایی دست‌اش به خون هزاران انسان مبارز و آزادی‌خواه آلوده شده و امروز ردای ریاست‌جمهوری بر تن کرده، در سفر نمایشی خود به شهر قزوین گفت: "مدیریت

فسادی که در تمام جهان نمونه ندارد!

پاسداران حکومت الله در ایران، دیگر چیزی را پوشیده و پنهان نگذاشته‌اند. تمام پلیدی‌ها، فجاج و قساوت‌هایی را که در تمام جهان، رژیم‌های ارتجاعی و ستمگر سرمایه‌داری داشته و دارند، همه را تحت حاکمیت پاسداران فرمانروایی الله در ایران یکجا گردآورده‌اند. از سرکوب و کشتار و سلب حقوق انسانی مردم ایران گرفته، تا سوق دادن اکثریت بزرگ مردم به اعماق فقر. از استثمار وحشیانه کارگران گرفته، تا چپاول و غارت ثروت‌های کشور از فساد اخلاقی و زد و بندهای سیاسی رسوای باندهای طبقه حاکم تا انواع و اقسام فسادهای مالی و اقتصادی، همه در نظم حاکم تبلور یافته‌اند.

در صفحه ۵

اعتصابات کارگران پروژه‌های نفت و پتروشیمی از سر گرفته شد

در صفحه ۷

بازداشت اعضای شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان و فعالان کارگری را شدیداً محکوم می‌کنیم

در صفحه ۹

پایان ناتمام کرونا، شروع اعتراضات دانشجویی

با شروع پاندمی کرونا، مراکز آموزش عالی کشور به مدت دو سال تعطیل شد. با بسته شدن دانشگاه‌ها، دانشجویان به طور واقعی از حضور در کلاس درس و محیط‌های آموزشی محروم شدند و جنبش دانشجویی نیز به مدت دو سال در سپهر سیاسی ایران به محاق رفت. در زمان تعطیلی دانشگاه‌ها، صدها هزار دانشجو پراکنده و از هم گسسته شدند، مراکز آموزش عالی از دانشجویان خالی شد و صدای اعتراضات دانشجویی نیز به طور واقعی از فضای دانشگاه‌های کشور رخت بر بست. اکنون اما بعد از دو سال تعطیلی، دانشگاه‌های کشور دوباره بازگشایی شده‌اند و در همان نخستین روزهای بازگشایی صدای پر قدرت اعتراض دانشجویان علم و صنعت تهران، فضای دانشگاه را عطرآگین کرد.

همزمانی بازگشایی امروز دانشگاه‌های کشور با روزهای "انقلاب فرهنگی" اردیبهشت ۱۳۵۹، که در آن روزها ده‌ها دانشجو در محیط‌های آموزشی کشتار شدند و پس از آن دانشگاه‌ها به مدت دو سال تعطیل شد، این توهم را برای رژیم ایجاد کرد که شاید اینبار هم بتواند همان سیاست پس از بازگشایی دانشگاه‌های کشور را اعمال کند. جمهوری اسلامی به تاسی از تعطیلی دو ساله دانشگاه‌ها در زمان "انقلاب فرهنگی" و با الهام گرفتن از تجربه سرکوبگری وحشیانه سال‌های نخست دهه شصت، بر این گمان بود که این بار هم می‌تواند با سوء استفاده از تعطیلی دو ساله دانشگاه‌ها پروژه سرکوب و ایجاد فضای امنیتی مورد نظر خود را بر محیط آموزشی تحمیل کند. لذا از همان روزهای اول بازگشایی دانشگاه با دستورالعمل‌های انضباطی و امنیتی عرصه را بر دانشجویان بویژه دانشجویان دختر تنگ کرد.

ایجاد رعب و وحشت در فضای آموزشی، احضار دانشجویان به واحد حراست دانشگاه، تهدید پی در پی دانشجویان، سخت‌گیری در نحوه پوشش و حتی کنترل رفت و آمدها از جمله مسائلی بوده‌اند که جمهوری اسلامی با بازگشایی مجدد دانشگاه‌ها سعی کرد همانند سال‌های بعد از "انقلاب فرهنگی" فضای مراکز آموزش عالی را به تسخیر خود در آورد.

غافل از اینکه شرایط امروز جامعه با شرایط دهه ۶۰ به کلی متفاوت است. بی‌خبر از این که بازگشایی امروز دانشگاه‌ها پس از دو سال

در صفحه ۲

زنده باد آزادی - زنده باد سوسیالیسم

پایان ناتمام کرونا، شروع اعتراضات دانشجویی

تعطیلی کرونایی با بازگشایی دانشگاه‌ها در سال ۶۲ پس از تعطیلی دو ساله ویروس "انقلاب فرهنگی" دست کم به لحاظ شرایط سیاسی جامعه اساساً قابل قیاس با آن زمان نیست. شرایطی به کلی متفاوت با آن سال‌ها که این تفاوت شرایط را خود دانشجویان دانشگاه علم و صنعت با صریح‌ترین زبان ممکن در بیانیه خود یادآور شده‌اند. آنان با محکوم کردن حضور علنی نیروهای امنیتی در محیط دانشگاه به حاکمان جمهوری اسلامی یادآور شده‌اند: "امروز دهه ۶۰ نیست؛ که بتوان با اجبار، سلیق و عقاید عصر حجری خود را با زور و چماق به خورد دانشجوی داد. امروز باید حق آزادی انتخاب [پوشش] را پذیرفت. چاره‌ای هم جز پذیرش آن نیست. حق انتخاب، مهمترین حق هر انسانی بعد از حق زندگی ست."

در واقع به دلیل همین شرایط خاص امروز جامعه و تفاوت اساسی آن با سال‌های دهه ۶۰ است که دانشجویان از همان روزهای نخست بازگشایی مراکز آموزش عالی، ادامه پویایی و زنده بودن دانشگاه را به رخ حاکمان جمهوری اسلامی کشیده‌اند. تجمع اعتراضی دانشجویان علم و صنعت تهران و دانشگاه تبریز را باید به حساب نخستین طلیعه اعتراضات جنبش دانشجویی در پایان ناتمام پاندمی کرونا دانست که این چنین پرشور و رادیکال حضور دوباره خود را در متن شرایط انقلابی جامعه اعلام کرده‌اند. جنبشی که اعتراضات کنونی آن ریشه در پویایی این جنبش در سال‌های بعد از خیزش انقلابی توده‌های مردم ایران در دیماه ۹۶ دارد. جنبشی که صدای اعتراض آن بعد از قیام آبان ۹۸ بلندتر شد و با سرنگونی هوایمی اوکراینی اوج بیشتری گرفت. جنبشی که در سال‌های بعد از دی ماه ۹۶ با طرح شعارهایی نظیر "فرزند کارگرانیم کنارشان می‌مانیم" به شکل فزاینده‌ای با جنبش اعتراضی کارگران و توده‌های مردم ایران پیوند خورد.

بی‌تردید صدای اعتراضی امروز دانشجویان ادامه همان صدای رادیکال جنبش دانشجویی در سال‌های پیش از تعطیلی دو ساله کرونایی است. دانشجویان علم و صنعت تهران با وقوف به تفاوت اساسی شرایط کنونی جامعه با شرایط بازگشایی دانشگاه‌ها در دوران سرکوب خونین دانشگاه پس از ویروس "انقلاب فرهنگی" از همان روزهای نخست بازگشایی، نسبت به اعمال سیاست سرکوب و خفقان بر دانشگاه دست به اعتراض زدند. آنان نخستین تجمع اعتراضی خود را در روز یکشنبه ۴ اردیبهشت ۱۴۰۱ برگزار کردند. دانشجویان، با برگزاری این تجمع اعتراضی، با در دست داشتن پلاکاردهایی همانند "یکی را ببرید همه ما را برده‌اید" و سر دادن شعارهایی نظیر "دانشگاه پادگان نیست"، "حراست آلت دست قدرت" خواستار توقف برخوردی پلیسی و سرکوب دانشجویان شدند. آنان همچنین در پایان تجمع اعتراضی خود با صدور قطعنامه‌ای فهرست مطالبات خود را اینچنین مطرح کرده‌اند: "تشکیل شورای نظارت

بر حراست، توقف دخالت در امور شخصی دانشجویان و زیست دانشجویی و به رسمیت شناختن حق آزادی انتخاب، توقف گشت زنی در سطح دانشگاه، حذف و عدم استعمال موتور سیکلت و وسایل نقلیه موتوری توسط حفاظت فیزیکی، برخورد با عاملان ضرب و شتم یک دانشجو، توقف ممانعت از فعالیت‌های سیاسی، مدنی، صنفی و فرهنگی دانشجویی، توقف پیگرد کمیته انضباطی دانشجویانی که اخیراً احضار شده‌اند، رفع محدودیت رفت و آمد خوابگاه‌ها، حذف سرشماری شبانه خوابگاه‌ها، توقف امنیتی سازی دانشگاه‌ها و عدم حضور دوباره نیروی نظامی."

دانشجویان علم و صنعت پس از بازگشایی مجدد مراکز آموزش عالی، نشان دادند با همان پتانسیل سیاسی و شور مبارزاتی سال‌های پیش از پاندمی ویروس کرونا به فضای آموزشی باز گشته‌اند. خاطره اعتراضات شکوهمند جنبش دانشجویی و پیوند آن با مبارزات کارگری در سال‌های پس از خیزش انقلابی مردم در دیماه ۹۶ تا بسته شدن دانشگاه در اسفند ۹۸، هرگز از یادها نرفته است. اعتراضاتی به یادماندنی که پس از شیوع ویروس کرونا و بسته شدن مراکز آموزش عالی کشور به مدت دو سال به محاق رفت و اکنون با بازگشایی مجدد دانشگاه‌ها، ادامه پرواز و بال‌گشایی مجدد همان سال‌های پیش از تعطیلی دو ساله را نوید داده است.

با شیوع ویروس کووید - ۱۹ در ایران دانشگاه‌های کشور تعطیل و کلاس‌های درس طی دو سال گذشته به صورت غیرحضور برقرار گردید. در این دو سال که محیط‌های دانشگاهی از حضور فیزیکی دانشجویان خالی شد، جنبش نیز به طور واقعی به محاق رفت. وضعیتی درست همانند ویروس "انقلاب فرهنگی" که در روزهای هفته اول اردیبهشت ۱۳۵۹ بر فضای دانشگاه‌های کشور آوار شد و پس از آن مراکز آموزش عالی به مدت دو سال تعطیل شد. با این تفاوت که در پی تهاجم ویروس "انقلاب فرهنگی" که منجر به تعطیلی دو ساله دانشگاه‌ها شد، ده‌ها دانشجو نیز با تهاجم گله‌های حزب الهی و نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی کشتار شدند، اما با تهاجم پاندمی ویروس کرونا تعطیلی دانشگاه‌ها به شیوه‌ای کاملاً "آرام" صورت گرفت.

اگرچه در هر دو وضعیت، چه در پی تهاجم "انقلاب فرهنگی" در اردیبهشت سال ۱۳۵۹ و چه با شیوع پاندمی کرونا در اسفند ۱۳۹۸، دانشگاه‌ها به مدت دو سال تعطیل شدند، اما تفاوت شکل و مضمونی این دو تهاجم ویروسی، خروجی متفاوتی را برای دانشجویان و فضای دانشگاه‌ها به هنگام بازگشایی مجدد رقم زد.

در تهاجم اول، درست در زمانی که جنبش دانشجویی مستقل و چپ ایران در اوج مبارزات انقلابی و آزدیخواهانه بود و دانشگاه به سنگری مقاوم علیه سیاست‌های سرکوبگرانه رژیم تبدیل شده بود، جمهوری اسلامی با پاندمی ویروس "انقلاب فرهنگی" به دانشگاه‌ها یورش برد و

پس از سرکوب خونین دانشجویان، خمینی فرمان تعطیلی دانشگاه‌ها را نیز صادر کرد. طی دو سال تعطیلی دانشگاه‌ها که پس از "انقلاب فرهنگی" شروع شد، هزاران دانشجوی چپ و کمونیست و مبارز از مراکز آموزش عالی اخراج و صدها استاد چپ و مبارز نیز پاکسازی شدند. وقتی دانشگاه‌ها در سال ۱۳۶۲ مجدداً بازگشایی شد، دیگر از وجود ده‌ها هزار دانشجوی چپ و مترقی و مبارز در دانشگاه‌های کشور خبری نبود. استادان چپ و مترقی نیز از تدریس در دانشگاه محروم شدند. با بازگشایی مجدد دانشگاه، طرح سهمیه بندی و انتخاب گزینشی دانشجویان نیز مزید بر علت شد تا فضای دانشگاه‌های کشور بیش از یک دهه به حیاط خلوت جمهوری اسلامی تبدیل شد.

در تعطیلی دوم اما که با تهاجم پاندمی ویروس کرونا از اسفند ۹۸ شروع شد، اوضاع سیاسی کشور به کلی متفاوت از شرایط سال‌های دهه ۶۰ است. در سال ۶۲ وقتی دانشگاه‌ها پس از یک تعطیلی دو ساله بازگشایی شد، جنبش انقلابی مردم ایران با شکست قطعی مواجه شده بود. سرکوب و خفقان سراسر کشور را فرا گرفته بود. دانشگاه به حیاط خلوت جمهوری اسلامی تبدیل شده بود و سکوتی گورستانی بر فضای دانشگاه‌ها حاکم بود.

امروز اما شرایط دیگری بر جامعه حاکم است. بحران‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی سرپای نظام را فرا گرفته و جمهوری اسلامی در پرتگاه سقوط است. سپهر سیاسی کشور از رایحه خوش اعتراضات و اعتصابات فزاینده کارگری عطر آگین است. تداوم جنبش اعتراضی معلمان شور و شوق و امید سرشاری را در جامعه دمیده است. فریاد یکشنبه‌های اعتراض بازنشستگان در متن جامعه پیچیده است. زنان در عرصه‌های مختلف، جمهوری اسلامی را به چالش گرفته‌اند. در یک کلام جامعه روزهای تغییر و تحولات بزرگ اجتماعی را انتظار می‌کشد.

حال در چنین وضعیتی کاملاً متفاوت با سال‌های دهه ۶۰، به خوبی روشن است که بازگشایی دانشگاه‌ها در این برهه زمانی با بازگشایی آن در سال ۶۲ به کلی متفاوت است. با این همه و به رغم چنین تفاوت آشکاری، جمهوری اسلامی اما کماکان در رویای سال ۶۲ سیر می‌کند و بر این گمان است که با بگیر و ببند و دستورالعمل‌های سرکوبگرانه می‌تواند سلطه امنیتی خود را بر فضای دانشگاه‌ها تحکیم کند. رویایی که دست کم در شرایط کنونی هرگز برای جمهوری اسلامی به واقعیت تبدیل نخواهد شد. این را ما نمی‌گوییم، این را دانشجویان علم و صنعت و دانشجویان تبریز در همان روزهای آغازین بازگشایی مجدد دانشگاه با صدای رسا فریاد کرده‌اند. صدایی که متعلق به جنبش اعتراضی سال‌های بعد از ۹۶ است که در پایان ناتمام پاندمی کرونا، با همان روحیه مبارزاتی سال‌های پیش از شیوع کرونا و در پیوند با مبارزات کارگری و اعتراضات مردم ایران به دانشگاه باز گشته است.



یک، اول ماه مه ویژه

کارگران پررنگ بود. در سفر محمود صالحی در میان مردم حاضر شد و علی‌رغم حضور مأمورین امنیتی در محل، در رابطه با روز کارگر سخنرانی کرد. در اهواز نیز کارگران بازنشسته در مراسم یازده اردیبهشت حضور چشمگیری داشتند. کارگران بازنشسته تأمین اجتماعی در چندین شهر دیگر در سراسر کشور به خیابان آمدند.

در اول ماه مه اما برجسته‌تر از همه‌جا، هفت‌تپه بود که بار دیگر درخشید کارگران بارز هفت‌تپه با اعلام قبلی، در روز اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) دست از کار کشیدند و با تجمع و گرد هم‌آیی این روز کارگری را گرمی داشتند. در این تجمع کارگری ویژه اول ماه مه، ابراهیم عباسی منجزی و یوسف بهمنی دو تن از نمایندگان کارگران هفت‌تپه سخنرانی کردند. نمایندگان کارگران هفت‌تپه در سخنان خود، ضمن مرور مبارزات کارگران هفت‌تپه و تأکید بر اتحاد کارگران و ادامه مبارزه تا پیروزی، شعارهایی نیز علیه ستمگران و مفسدانی از نمونه قالیباف رئیس مجلس سر دادند. در این تجمع بار دیگر از سپیده قلیان و فرزانه زیلابی قدردانی به عمل آمد. در عین حال از اسماعیل بخشی به‌عنوان رهبر مبارزات کارگران هفت‌تپه و به‌عنوان یک کارگر نمونه یاد شد. کارگران با سردادن شعار "بخشی حمایت می‌کنیم" و کف زدن ممتد، همراه با اول ماه مه، یاد رفیق مبارز و آگاه خود را نیز گرمی داشتند.

در آستانه اول ماه مه، اعتصابات کارگری، صدور فراخوان‌ها و انتشار بیانیه‌های ویژه اول ماه مه و تدارک اعتصاب گسترده سراسری در این روز، تمام فضای سیاسی جامعه را دستکم طی دو هفته اخیر به خود اختصاص داد. تدارک اعتصاب گسترده و سراسری کارگران پروژه‌های و پیمانی نفت و گاز و پتروشیمی در روز اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت)، فراخوان " شورای سازمان‌دهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت" برای اعتصاب و تجمع در اول ماه مه، حمایت شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران از کارگران و فراخوان اول ماه مه و اعلام تجمع سراسری در همین روز، نمونه روشنی از بلور بندی قطب کارگران و زحمتکشان در تقابل و مبارزه با استثمارگران و ستمگران را به نمایش گذاشت. حمایت عملی معلمان و اعلام تجمع سراسری در روز اول ماه مه، مهیا شدن زمینه‌های عینی اتحاد کارگران و زحمتکشان بر پایه‌ی یک‌رشته خواست‌های مشترک را به اثبات رساند. طبقه کارگر و بخش بسیار مهمی از این طبقه یعنی کارگران پیمانی و پروژه‌های صنعت نفت، فراخوان دهنده اعتصاب سراسری در محور این اتحاد و مبارزه بودند.

دور اخیر اعتصابات و تجمعات اعتراضی کارگران نفت و گاز و پتروشیمی که از اواخر

فروردین آغاز شده و در روزهای نخست اردیبهشت‌ماه نیز ادامه یافت، با انتشار فراخوان کارگران پروژه‌های نفت و آغاز اعتصاب سراسری از ۵ اردیبهشت وارد مرحله جدیدی شد. " شورای سازمان‌دهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت" با انتشار بیانیه‌ای ضمن حمایت از کارگران پروژه‌های، عموم کارگران نفت را به اتحاد و اعتصاب سراسری و نمایش قدرت در روز اول ماه مه دعوت کرد. اعتصاب سراسری در نفت با فراخوان کارگران پروژه‌های از ۵ اردیبهشت آغاز شد. اگر در یک هفته قبل از آن کارگران پتروشیمی آراین متانول، پتروشیمی بوشهر، کارگران پروژه‌های ساخت مخازن در پالایشگاه آدیش کنگان، کارگران و کارکنان نوبت‌کار زیرمجموعه شرکت مناطق نفت‌خیز جنوب، کارگران نوبت‌کار شرکت نفت و گاز آغاچاری، پرسنل نوبت‌کار شرکت بهره‌برداری نفت و گاز مسجدسلیمان و چندین شرکت دیگر دست به اعتصاب زده بودند، ۵ اردیبهشت، کارگران پروژه‌های شاغل در سایت یک پتروشیمی بوشهر، پترو پالایش کنگان، کارگران پروژه‌های مخازن سبز عسلویه، کارگران شاغل در فاز ۱۹ عسلویه، کارگران پروژه‌های شرکت پتروکیان و کارگران پتروشیمی هنگام نیز دست به اعتصاب زدند. روز بعد کارگران پروژه‌های داربست بند نیروگاه برق اردبیل، کارگران نیروگاه اسلام‌آباد غرب، کارگران پیمانی نیروگاه سیکل ترکیبی b00 عسلویه، کارگران پروژه‌های ناو رود در پترو پالایش کنگان و کارگران پتروشیمی مسجدسلیمان وارد اعتصاب شدند. ۷ اردیبهشت کارگران پروژه‌های شرکت جهان پارس شاغل در فاز ۲ پالایشگاه بید بلند بهبهان به اعتصاب پیوستند. ۸ اردیبهشت کارگران پروژه‌های شرکت فرا پتروسازان نفت ستاره بندرعباس و ۱۰ اردیبهشت کارگران پروژه‌های شرکت IGC شاغل در پروژه مجتمع گاز NGL3100 واقع در شهرستان دهلران و نیروهای ساخت مخزن و پایپ راک پتروشیمی اسلام‌آباد غرب و نیروهای پیمانکاری شیروانی پتروشیمی دماوند در فاز دو عسلویه به اعتصاب پیوستند. این روند در روز یازده اردیبهشت، اول ماه مه نیز ادامه یافت.

همزمان با اعتصاب سراسری در نفت و گاز و پتروشیمی، دیگر مؤسسات تولیدی و خدماتی نیز از نمونه آذر آب، فولاد، شکوفا صنعت کرمان، کاشی اصفهان، کارگران فصلی (نی‌پر) هفت‌تپه و برخی مراکز دیگر کارگری نیز دست به اعتصاب زدند. چندین تشکل مستقل از جمله سندیکای کارگران شرکت واحد، سندیکای کارگران شرکت نیشکر هفت‌تپه و ۷ تشکل دیگر (۱) با انتشار بیانیه مشترک ۱۳ ماده‌ای مورخ ۸ اردیبهشت ۱۴۰۱ به مناسبت اول ماه مه، بار دیگر بر اتحاد و همبستگی کارگری در اول ماه مه تأکید نموده و پشتیبانان جنبش کارگری را به اتحاد عمل برای گسترش و تعمیق مبارزه دعوت کردند. در قطعنامه مشترکی که با امضای ۱۰ تشکل دیگر (۲) به مناسبت اول ماه مه انتشار



یافت نیز ضمن اشاره به اتحاد و همبستگی کارگری، بر ضرورت دگرگونی نظم موجود تأکید شده است. حمایت از کارگران پروژه‌های و پیمانی نفت و تأکید بر اتحاد کارگران در روز اول ماه مه، منحصر به این تشکلهای نبود. علاوه بر شورای هماهنگی تشکلهای مستقل فرهنگیان که با صدور بیانیه رسماً از کارگران و اعتصاب سراسری آن‌ها حمایت نمود، بسیاری از تشکلهای معلمان در استان‌ها و شهرستان‌های مختلف نیز با صدور اطلاعیه‌های مجزا، از بیانیه " شورای هماهنگی" در حمایت از اعتصاب و تجمع در اول ماه مه، از کارگران پشتیبانی کردند. چند تشکل مستقل بازنشستگان نیز با صدور اطلاعیه مشترک از اعتصاب سراسری کارگران و تجمع معلمان در روز اول ماه مه حمایت کردند. همه شواهد حاکی از یک کارزار مبارزاتی جدی در اول ماه مه بود. ارتجاع حاکم در وحشت از برپایی اعتصاب و تجمع گسترده و سراسری کارگران و معلمان در روز اول ماه مه، یورش گسترده‌ای را علیه کارگران و معلمان آگاه و پیشرو و فعالان تشکلهای کارگری و تشکلهای مستقل معلمان سازمان داد. دستگاه امنیتی و سرکوب برای ایجاد رعب و هراس، درست در آستانه اول ماه مه، به تهدیدات تلفنی و احضار و بازداشت و اعمال قهر متوسل شد.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه با انتشار اطلاعیه‌ای تحت عنوان "احضار و تهدید تلفنی اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد از سوی وزارت اطلاعات در آستانه روز جهانی کارگر" یک نمونه از اقدامات تهدیدآمیز وزارت اطلاعات را افشا کرد و نوشت "امروز سه‌شنبه ششم اردیبهشت بسیاری از فعالین سندیکای کارگران شرکت واحد تلفنی از سوی وزارت اطلاعات احضار و تهدید شدند. از احضار شونندگان خواسته‌شده تا فردا به مقر وزارت اطلاعات مراجعه کنند." سندیکای کارگران شرکت واحد در این اطلاعیه به هدف دستگاه سرکوب از این اقدامات نیز اشاره نموده و نوشت " فشارهای صورت گرفته بر کارگران و حامیان طبقه کارگر در آستانه روز جهانی کارگر برای جلوگیری از حق بدیهی کارگران در برگزاری مراسم روز جهانی کارگر با هر شکل آن است و سندیکا فشارهای فراقانونی نهادهای امنیتی برای جلوگیری از مراسم روز جهانی

یک، اول ماه مه ویژه

کارگر را قویاً محکوم و خواهان توقف این روند فراقانونی می‌باشد."

دستگاه امنیتی و سرکوب رژیم اما به تهدیدات تلفنی و احضار فعالان سندیکای کارگران شرکت واحد اکتفا نکرد. روز شنبه ۱۰ اردیبهشت نیروهای سرکوب وزارت اطلاعات به منزل حسن سعیدی از اعضای برجسته سندیکا یورش بردند و در غیاب وی، با زور و تهدید وارد منزل شدند. طبق اطلاعیه سندیکا، مزدوران حکومتی ضمن تفتیش منزل، گوشی تلفن همراه، فلش مموری، دو هارد کامپیوتر، سیدی، کتاب و پرونده کارگران را با خود بردند. در ادامه این اقدام ضد کارگری، مأمورین وزارت اطلاعات با تلفن از حسن سعیدی خواستند ساعت ۹ صبح روز یکشنبه ۱۱ اردیبهشت (اول ماه مه) در کمیته پیگیری وزارت اطلاعات حاضر شود و تهدید کردند اگر خودش را معرفی نکند تحت پیگرد خواهد بود. همزمان با این یورش وحشیانه، نیروهای سرکوب وزارت اطلاعات به منزل داود رضوی عضو دیگر سندیکا نیز هجوم بردند که کسی در خانه نبوده است.

دستگاه سرکوب و امنیتی رژیم، علاوه بر فعالان سندیکای کارگران شرکت واحد، ده‌ها تن دیگر از فعالان کارگری را در استان‌ها و شهرهای مختلف از جمله در تهران، خوزستان، کردستان و دیگر استان‌ها به مراکز امنیتی و قضایی احضار کرد و با یورش به منازل فعالان کارگری و حامیان طبقه کارگر و همچنین فعالان تشکلهای مستقل معلمان، به بازداشت‌های گسترده دست زد. احضار و بازداشت جعفر ابراهیمی، علی‌اکبر باغانی، رسول بدایقی، محمد حبیبی و ده‌ها معلم در بانه، سنندج، اهواز و سایر شهرها و استان‌های کشور تنها نمونه‌هایی از تشدید سرکوب در آستانه اول ماه مه بود.

علی‌رغم تمام این تهدیدها و فشارها و به‌رغم احضار و بازداشت تعداد زیادی از فعالان کارگری و فعالان مؤثر جنبش اعتراضی معلمان، اما روز اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) شاهد گسترش اعتصابات و تجمعات و تعطیل کار در مراکز کارگری بود. اول ماه مه با شور و حرارت در محیط‌های کارگری و نیز در بیرون از محل کار برگزار شد. تجمعات اعتراضی معلمان در این روز نیز به‌رغم بازداشت‌ها و دستگیری‌ها و به‌رغم یورش به تجمع یا اشغال محل تجمع معلمان در سراسر کشور و در بیش از صد شهر برگزار شد.

اول ماه مه امسال، یک اول ماه مه ویژه بود و چشم‌انداز نوینی را فراوی جنبش انقلابی کارگران و زحمتکشان گشود. ویژگی نخست آن این بود که کارگران با دست کشیدن از کار به استقبال آن شتافتند و در یک بخش مهمی از کارگران یعنی کارگران صنعت نفت و گاز و پتروشیمی، اول ماه مه با یک اعتصاب سراسری همراه بود. اول ماه مه امسال نه‌فقط از لحاظ تئوری یا بر پایه آرزوها، بلکه به‌طور خیلی مشخص و در عالم واقعی روز اتحاد کارگران و روز نمایش قدرت کارگران بود. ویژگی دیگر اول ماه مه امسال این بود که معلمان که نه‌فقط

خود در زمره محروم‌ترین و زحمتکش‌ترین اقشار جامعه نزدیک به کارگران هستند بلکه گروهی از آن‌ها خود نیز کارگرند و بخشی از طبقه کارگر، در حمایت از کارگران و روز جهانی کارگر و همراهی و اتحاد با کارگران، برای روز یازده اردیبهشت (اول ماه مه) فراخوان تجمع صادر کردند و در این روز به خیابان آمدند. این اقدام هوشیارانه و آگاهانه و اتحاد و همراهی معلمان با کارگران در روز اول ماه مه که برخاسته از یک‌رشته خواست‌های مشترک معلمان و کارگران است، افق جدیدی را در راستای گسترش اتحاد عمل‌های واقعی و میدانی گشود و چشم‌انداز نوینی را در این زمینه ترسیم کرد.

طبقه سرمایه‌دار و کل ارتجاع حاکم در همه حال به سرکوب و وعده‌های توخالی متوسل شده است. اما فشارهای اقتصادی و معیشتی، کاهش بیش‌ازپیش قدرت خرید کارگران از یکسو، نارضایتی عمیق کارگران به‌ویژه کارگران پیمانی و پروژه‌های نفت از سوی دیگر، چنان بالاست که هیچ درجه‌ای از سرکوب نمی‌تواند کارگران را از ادامه مبارزه بازدارد. البته کارفرمایان و پیمانکاران شرکت‌های نفت و گاز و پتروشیمی، با توجه به اعتصابات سراسری دو سال گذشته در نفت و برای جلوگیری از یک اعتصاب قدرتمند سراسری، این بار خیلی زود واکنش نشان داده و وعده‌هایی در زمینه افزایش دستمزد و اجرای طرح ۲۰ روز کار ۱۰ روز استراحت و رسیدگی به سایر خواست‌های کارگران داده‌اند. اما این تاکتیک دیگر کهنه‌شده و جواب نخواهد داد. کارگران نیز به تجربه دریافته و یاد گرفته‌اند که نمی‌توان و نباید به وعده‌های پوچ و قلابی اعتماد نمود. وحشت از گسترش اعتصاب در صنعت نفت و گاز و پتروشیمی خواب را از چشم سرمایه‌داران و دولت آن‌ها ربوده است. وضعیت معلمان نیز بر همین منوال است. مادام که خواست‌های آنان برآورده نشود اعتصابات و تجمعات سراسری ادامه دارد. اتحاد عمل معلم و کارگر زنگ خطر بزرگی را برای کلیت رژیم به صدا درآورده است. در عمل نیز راهی جز این نمانده است؛ اعتصابات سراسری کارگری، تجمعات و اعتصابات سراسری معلمان، اعتصاب عمومی سیاسی و فلج ساختن کامل رژیم و فراهم‌سازی زمینه قیام مسلحانه و به زیر کشیدن تمام نظم موجود.



زیرنویس

۱ - بیانیه مشترک سندیکاها و تشکلات مستقل کارگران و معلمان و بازنشستگان به مناسبت روز جهانی کارگر (۱۱ اردیبهشت) امضاها:

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس‌رانی تهران و حومه
سندیکای کارگران شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت‌تپه

کانون صنفی فرهنگیان البرز
کانون صنفی معلمان قزوین
کانون صنفی فرهنگیان الیگودرز
گروه اتحاد بازنشستگان
کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری

اتحاد سراسری بازنشستگان ایران
شورای بازنشستگان ایران
۲ - قطعنامه مشترک تشکلهای کارگران، معلمان و زنان به مناسبت روز جهانی کارگر ۱۴۰۱

امضاکنندگان به ترتیب حروف الفبا:
اتحادیه آزاد کارگران ایران
انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه
سندیکای نقاشان استان البرز
شورای سازمان‌دهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت
شورای کارگری بازنشستگان تأمین اجتماعی (بستا)
صدای مستقل کارگران گروه ملی صنعتی فولاد ایران (اهواز)
کانون صنفی فرهنگیان البرز
کانون صنفی فرهنگیان الیگودرز
کانون مدافعان حقوق کارگر
ندای زنان ایران



فسادی که در تمام جهان نمونه ندارد!

کمتر کشوری را در سراسر جهان می‌توان یافت که در رشومخواری، دزدی، بندوبست‌های فساد مالی درونی طبقه حاکم، به پایه جمهوری اسلامی برسد. فساد از سر و روی جمهوری اسلامی می‌بارد. ابعاد این فساد مالی به حدی است که بر هر ارگان و نهاد دستگاه دولتی، جناح‌ها و باندهای سیاسی طبقه حاکم و گروهبندی‌های اقتصادی درونی طبقه سرمایه‌دار حاکم دست گذاشته شود، مملو از فساد است. آن‌قدر ابعاد این فساد گسترده است که پی‌درپی در هر هفته و ماه در نتیجه جدال و کشمکش باندهای طبقه حاکم برای سهم‌بری بیشتر از چپاول، دزدی و غارت نمونه‌هایی از این فسادها و دزدی‌ها را که حالا دیگر ابعاد تریلیونی به خود گرفته‌اند، برملا می‌کنند. در این پرونده‌های فساد مالی همواره یک سر آن به بالاترین مقامات حکومتی وصل است و متهمین وابسته به این یا آن باندها و سر دیگر آن به سرمایه‌داران چپاولگر و غارتگر وابسته به یکی از باندهای سیاسی جمهوری اسلامی. به همین اخبار و گزارش‌های یک هفته گذشته نگاه کنید و ببینید چه غوغایی برپاست.

روز سه‌شنبه هفته گذشته ۶ اردیبهشت‌ماه، سخنگوی قوه قضائیه در نشست خبری خود با خبرنگاران از صدور حکم ۱۷۰ سال حبس برای متهمان پرونده بانک سرمایه خیر داد. این پرونده زمانی که گشوده شد اعلام گردید حدود ۴۰۰ متهم دارد و مقامات حکومتی و خانواده‌های آن‌ها در آن نقش دارند. به‌مرور نام عده‌ای از این پرونده بی‌سروصدا حذف شد و تنها چند نام از متهمین سرشناس از نمونه پسران، دختر و برادرزاده و داماد هاشمی شاهرودی، پرویز کاظمی، وزیر رفاه و تأمین اجتماعی در کابینه احمدی‌نژاد، هادی رضوی، داماد محمد شریعتمداری، وزیر کار در کابینه روحانی، عمار صالحی، پسر عطاءالله صالحی، فرمانده سابق ارتش، حسین هدایتی، از سرمایه‌گذاران فوتبال ایران، شهاب‌الدین قندالی، مدیرعامل سابق صندوق ذخیره فرهنگیان در این پرونده باقی ماند.

سخنگوی قوه قضائیه درباره آخرین وضعیت رسیدگی به پرونده بانک سرمایه گفت: پرونده‌های متعددی در خصوص بانک سرمایه تشکیل شده و برخی پرونده‌ها منجر به صدور حکم قطعی و اعلام شده است. اخیراً نیز احکامی در این پرونده صادر شده است که در مجموع افرادی به بیش از ۱۷۰ سال حبس محکوم شدند. اما این‌ها که هستند و از کجا آمدند؟ سید احمد هاشمی شاهرودی برادرزاده و داماد محمود هاشمی شاهرودی که در جلسات دادگاه حاضر نشد، به همراه سید محمدصادق، سید احمد هاشمی شاهرودی و سیده ادیبه، فرزندان سید محمود هاشمی شاهرودی وابسته به باند خامنه‌ای‌اند که از سوی وی به ریاست دستگاه قضائی، مجمع تشخیص مصلحت نظام، رئیس هیئت عالی حل اختلاف و تنظیم روابط قوای سه‌گانه، عضو فقهای شورای نگهبان، منصوب شد و نیز نایب‌رئیس اول مجلس خبرگان رهبری بود و چند مقام و منصب دیگر را هم در اختیار داشت.

او که از سال ۱۳۷۸ رئیس دستگاه قضائی شد تا زمان مرگش در سال ۹۷ به عنوان رئیس مجمع تشخیص مصلحت، عهده‌دار بالاترین مقامات در جمهوری اسلامی بود. این مقام و موقعیت و وابستگی به علی خامنه‌ای، این امکان را به فرزندان و اعوان و انصار وی داد که تبدیل به یکمشت سرمایه‌دار و دزد شوند.

اما آن‌ها که پشتوانه‌شان مقامات رده‌بالای حکومت بود، در پرونده بانک سرمایه چه کردند؟ به اتکای جایگاه شاهرودی، وام‌های بسیار کلانی از بانک‌ها دریافت کردند. از اواخر سال ۹۱ تا اواسط سال ۹۲ با درخواست سید احمد هاشمی شاهرودی، هیئت‌مدیره بانک سرمایه مجموعاً ۱۴۰ میلیارد تومان تسهیلات به آن‌ها می‌دهد و آن‌ها شرکت‌های متعددی از جمله شرکت توسعه تجارت مرین، شرکت‌های روشه و سون، پیک راه ابریشم، فردانش پژوهان، تجارت آفرین سون، قشم، شرکت تصویر گستر پاسارگاد راه، دایر کردند و دست‌آخر پول‌های بانک راهم بالا کشیدند. چگونه؟

در گزارش تحقیق و تفحص مجلس از پرونده فساد در بانک سرمایه اشاره شده بود که محمد امامی و احمد هاشمی شاهرودی، سال ۹۲ املاک بانک سرمایه واقع در لوسان، شمیران و خیابان فرشته را به ارزش بیش از ۴۰۰ میلیارد تومان خریداری کردند، ولی تا سال ۹۵ چک‌های مربوط به خرید این املاک را پاس نکرده و سرانجام همان املاک را با چند برابر قیمت برای تهاتر بدهی خود به بانک سرمایه فروخته‌اند. جالب این‌که با دستور هیئت‌مدیره، بانک سرمایه جریمه تأخیر تسهیلات شرکت‌های شاهرودی و امامی را نیز بخشیده شد.

به گزارش سایت تسنیم در سال ۹۹ " ۶ شرکت رسمی و شناسنامه دار شبکه مرتبط با سیدمحمد امامی بواسطه تسهیلات دریافتی ۳۴۷ میلیاردتومان به بانک سرمایه بدهکار بوده و برای تسویه آنها از روش تهاتر املاک و گران نمایی استفاده می‌کند که با گران نمایی علاوه بر تسویه تمامی بدهی‌ها مقداری نیز طلبکار می‌شوند.....

شرکت توسعه تجارت مرین قدیمی‌ترین از مجموعه شرکت‌های سیدمحمد امامی است، که در سال ۸۵ تاسیس و در حوزه نساجی فعالیت می‌کند. اما از سال ۹۰ و با ورود سیده ادیبه، سید محمد صادق و سید احمد هاشمی شاهرودی به شرکت توسعه تجارت مرین و عضویت آنها در هیئت‌مدیره این شرکت، فعالیت اقتصادی امامی وارد فاز تازه ای می‌شود. سید احمد هاشمی شاهرودی که برادرزاده مرحوم آیت الله هاشمی شاهرودی رئیس اسبق قوه قضائیه است، از این زمان به بعد به عنوان یکی از شرکای امامی در بسیاری از شرکت‌ها و پروژه‌های اقتصادی وارد می‌شود.

از اواخر سال ۹۱ تا اواسط سال ۹۲ با درخواست سید احمد هاشمی شاهرودی و دیگر مدیران شرکت‌های مذکور از بانک سرمایه و علی‌رغم مخالفت‌های کارشناسی کمیته اعتبارات، هیئت‌مدیره بانک سرمایه، مجموعاً

۱۴۰ میلیارد تومان تسهیلات به آنها می‌دهد. اما این شرکت‌ها نه تنها اقساط تسهیلات را نمی‌پردازند، بلکه توجهی به اخطاریه‌های بانک سرمایه نیز نمی‌کنند. تا اینکه بدلیل شناسنامه داربودن شرکت‌های مذکور، سید محمد امامی اعلام می‌کند تمامی بدهی‌ها را که جمعاً بیش از ۳۰۰ میلیارد تومان می‌شود را از طریق تهاتر تسویه می‌کند.

آقای زاهدی به عنوان معاون اعتبارات وقت بانک سرمایه که با شبکه امامی در ارتباط بوده است طی نامه‌ای به کارشناسان رسمی دو ملک را جهت کارشناسی و برآورد قیمت معرفی می‌کند، تا تهاتر انجام و بدهی امامی تسویه شود. یکی از ملک‌ها را در لوسان ۴۷ میلیارد تومان و دیگری را ۲۰ میلیارد تومان کارشناسی می‌کنند.

پس از اینکه این جمع اعداد کارشناسان به ۳۰۰ میلیارد نمی‌رسد، و میزان بدهی را پوشش نمی‌دهد جهت تسویه بدهی، آقای زاهدی نامه‌ای با همان تاریخ و شماره را جعل می‌کند و این بار خطاب به کارشناسان مرتبط با شبکه امامی نامه می‌نویسد تا املاک مجدداً کارشناسی و قیمت‌گذاری شوند. این بار با ارزیابی کارشناسان مرتبط با این شبکه، ملک ۴۷ میلیاردی با ۵ برابر گران نمایی ۲۰۵ میلیارد تومان و ملک ۲۰ میلیارد تومانی را ۹۶ میلیارد تومان کارشناسی می‌کنند و جمعاً ارزش املاک ۳۰۱ میلیارد تومان می‌شود که نه تنها بدهی شرکت‌های امامی به بانک سرمایه تسویه می‌شود که مقداری طلبکار هم می‌شود. لذا بدهی بعضی دیگر از شرکت‌های بدهکار به بانک سرمایه که با شبکه امامی در تعامل و ارتباط بودند را نیز تسویه می‌کنند.

در یک فقره شرکت‌های سازدژ و برنا بیش از ۱۰۰ میلیارد تومان از بدهی‌هایشان را با بانک سرمایه تسویه می‌کنند. " و چندین نمونه دیگر از همین دست.

از جمله این که در یک مورد دیگر احمد هاشمی شاهرودی و امامی در سال ۹۲، یک ملک به قیمت ۲۶ میلیارد و سیصد میلیون تومان از بانک سرمایه خریده‌اند و همان ملک را در سال ۹۴ به قیمت ۹۶ میلیارد تومان به بانک سرمایه فروخته‌اند تا بدهی‌های ناشی از دریافت تسهیلات از این بانک را تسویه کنند. این یعنی طی فقط دو سال ۷۰ میلیارد تومان تنها در یک فقره سود کرده‌اند!

بعد هم که ماجرا بیخ پیدا کرد، برطبق گزارش دادستان پرونده، احمد هاشمی برخی اموال خود را بنام فرزندان خود، ساره هاشمی (دختر متهم) و محسن هاشمی (پسر متهم) کرده است. عجالتاً هم برخی از این متهمین و محکومین وابسته به خانواده شاهرودی در عراق به سر می‌برند و کسی جرات آوردن آن‌ها را به ایران ندارد.

یکی از این متهمین هم به نام مجتبی ظهرایی بسیاری از اسناد بانک سرمایه را از بین برد و ناپدید شد.

این از ماجرای پرونده بانک سرمایه و سیستم مافیائی چپاول و غارت در جمهوری اسلامی. سخن گوی دستگاه قضائی از محکومیت برخی افراد این پرونده به بیش از ۱۷۰ سال حبس سخن در صفحه ۶

فسادی که در تمام جهان نمونه ندارد!

گفت. اما کیست که نداند این ادعا گزافه‌گویی است. این واقعیت دیگر بر کسی پوشیده نیست که محکومینی از این دست چند ماه و گاه به‌ظاهر چند سال حبس می‌کشند، اما در واقعیت اغلب اوقات در مرخصی‌اند و در خانه‌هایشان زندگی می‌کنند، روزهایی هم که زندان هستند، امکانات رفاهی‌شان کمتر از خانه‌های آن‌ها نیست. پس از مدتی هم به آن‌ها عفو می‌دهند و رسماً حبس به پایان می‌رسد.

سخنگوی قوه قضاییه در این نشست خبری به پرونده ارتشاء کارمندان منابع طبیعی لواسان و محکومیت تعدادی از آن‌ها، پرونده‌های خودرویی از جمله آنویکو و مفتاح رهنورد که هنوز به صدور حکم منتهی نشده است نیز اشاراتی داشت. وی در مورد ماجرای پرنجبال پتروشیمی میانکاله که یکی از سرمایه‌داران بزرگ و بدهکار بانکی با ده‌ها شرکت و برخوردار از امتیاز دو کد ملی! که پشت سر او وزیر کشور، مقامات دولتی مازندران، نمایندگان و امامان جمعه و بالاخره رئیس مجلس، قالیباف قرار دادند، جز اشاره‌ای مختصر، چیزی نگفت. فقط به حامیان وی اطمینان داد که پرونده‌ای در خصوص احضار و جلب فردی درباره طرح ساخت پتروشیمی میانکاله تشکیل نشده است.

در همین روز سه‌شنبه ۶ اردیبهشت معاون وزیر نفت و مدیرعامل شرکت ملی پالایش و پخش فراورده‌های نفتی فاش کرد در دولت قبل و دوران کرونا، بنزین به لیتری ۵۰۰ تومان صادر شد. وی گفت: بنزین را بشکله‌ای ۴ دلار صادر کردیم یعنی لیتری ۵۰۰ تومان که یک‌سوم قیمت عرضه (سه‌می‌بندی) داخلی است. وی البته چیزی نگفت که در جریان این فروش چه کسانی پشت پرده خرید و فروش بوده‌اند و چه کسانی از رانت آن بهره برده‌اند. اما پوشیده نیست که برای فروش بنزین به این بهای ارزان، باید واسطه‌هایی حریص دست‌اندرکار آن بوده باشند که از این معامله پول‌های بسیار هنگفت به جیب زده‌اند و احتمالاً در آینده همان باندی که امروز این خبر را علیه باند روحانی افشا می‌کند، در آینده فسادی را که در این میان بوده نیز برملا خواهد کرد. معلوم است که در شرایط تحریم این نفت حتی نمی‌توانسته به‌طور مستقیم به دولت‌ها فروخته‌شده باشد و اگر چنین چیزی هم بوده باشد، قطعاً پای بده و بستان‌های دولتی و رشوه‌های کلان در میان بوده است.

مدیرعامل شرکت پالایش و پخش فراورده‌های نفتی همچنین به یک سوءاستفاده دیگر در دوران کابینه روحانی در مورد گازوئیل اشاره کرد و گفت: "همان زمان که این مباحث مطرح شد در مجاری عرضه هم‌جوار عرضه نفت گاز داشتیم، یعنی عرضه نفت گاز در برخی روزها به ۱۲۰ میلیون لیتر می‌رسید در حالی که مصرف نفت گاز در حوزه حمل‌ونقل حداکثر ۵۴ تا ۵۵ میلیون لیتر است، این نشان می‌دهد ما باید این موضوع را مدیریت کنیم، ما به برخی شهرک‌های صنعتی ورود کردیم و دریافتیم که نفت گاز تحت عناوین روغن‌سوخته با تغییر رنگ به نام مشتقات نفتی قاچاق می‌شود، بنابراین ضرورت بود که این

مسائل مدیریت شود. یعنی واحدهای صنعتی نفت گاز را می‌گرفتند و باقیمت چند برابر در خارج می‌فروختند. " باز هم زدوبند میان سرمایه‌داران و دولت. شغل شریف قاچاقچی‌گری را دولت و سرمایه‌داران در دست دارند، آن‌وقت یک انسان فقیر و گرسنه را در بلوچستان به خاطر یک گالن سوخت به اسم قاچاقچی به گلوله می‌بندند و یا هر روز گولیران را در کردستان نیز به اسم قاچاقچی به قتل می‌رسانند.

در همین هفته ابعاد جدیدی از ماجرای سیسمونی و قالیباف نیز افشا گردید. پاسدار قالیباف که دزدی‌های او و همسرش در شهرداری تهران زیانزد خاص و عام است و پرونده دزدی و سوءاستفاده‌های مالی ۵۰۰ صفحه‌ای او و باندش در شهرداری تهران و نیز زد و بندهای او در پرونده فساد مالی بنیاد تعاون سپاه و هلدینگ یاس و جمال‌الدین آبرومند، دستیار کنونی حوزه خدمت و پیشرفت او فعلاً مسکوت مانده تا ارتقاء مقام یابد و در رأس مجلس ارتجاع اسلامی به خامنه‌ای و طبقه حاکم خدمت کند، در هفته گذشته درگیر ماجرای فراتر از سیسمونی بود. آن‌گونه که اظهارنظرها و اسناد انتشار یافته در شبکه‌های اجتماعی نشان می‌دهند، خرید سیسمونی توسط خانواده وی در ترکیه صرفاً یک توجیه و پوشش بوده و اصل ماجرا خرید دو واحد آپارتمان لوکس به ارزش ۲۰ میلیون لیره دریکی از مراکز زیبای ترکیه به نام داماد قالیباف بوده است. این گزارش‌ها که توسط یک نماینده پیشین مجلس ارتجاع از جناح رقیب نیز تأیید شد، قالیباف را که مدتی سکوت کرده بود به واکنش واداشت و گفت: این خبر جعلی است و از این فرد شکایت خواهد کرد. سران و مقامات حکومتی همواره یک تکذیب فوری دم دست دارند. قالیباف پیش‌ازاین هم در ماجرای افشای فروش املاک شهرداری تکذیب وانکار کرده بود که در جریان یک زد و بند، این املاک به بهایی‌های بسیار پایین‌تر از بهای آن‌ها به فروش رفته است. آن زمان به‌اتفاق مهدی چمران رئیس وقت شورای شهر تهران، علیه مدیر سایت افشاگر شکایت کردند و این فرد بازداشت شد. اما بعد که جناح رقیب کوتاه نیامد، سازمان بازرسی بالاخره اصل ماجرا را تأیید کرد و گفت ۲۰۰ آپارتمان، خانه ویلایی و زمین شهرداری تهران، به بهایی در مجموع دو هزار و ۲۰۰ میلیارد تومان کمتر از قیمت واقعی آن‌ها فروخته‌شده است. ظاهراً این املاک از ۴۵ نفری که چنین املاکی دریافت کرده‌اند پس گرفته شد و قراردادهای آن‌ها ابطال گردید. گرچه صحت فساد تأیید شد، قالیباف اما

برجای خود باقی ماند.

حال معلوم نیست که اکنون چگونه می‌خواهد ماجرابی را تکذیب کند که برای آن اسنادی با جزئیات، نام مالک، تاریخ دقیق معامله، شماره پلاک، مبلغ خرید و پیش‌پرداخت خرید دو واحد آپارتمان لوکس در طبقه ۲۲ مجتمع‌های اسکای‌لند توسط امیررضا بحیرایی، داماد وی ارائه شده‌اند، انکار کند؟ پاسخ این است که مادام پشتش به خامنه‌ای و سپاه گرم است، مثل موارد پیشین به انکار ادامه خواهد داد و اتفاقی رخ نخواهد داد. البته این را نیز باید گفت که برای قالیباف و دزدی‌های وی مبلغ به ۲۰ میلیون لیره معادل ۴۰ میلیارد تومان عددی نیست. باین‌وجود، جناح رقیب بر سر همین مبلغ هم به افشاگری ادامه می‌دهد.

آنچه که از پرونده‌های فساد مالی، دزدی و غارت مقامات و وابستگان رژیم در این هفته رخ داد، ادامه روندی است که فقط در چندین سال اخیر ده‌ها مورد آن از نمونه پرونده فساد مالی در بانک مرکزی در دوران سیف، قاچاق ارز و اخذ رشوه توسط مهدی جهانگیری، پرونده شرکت بازرگانی پتروشیمی، پرونده باند طبری در دستگاه قضائی، رشومگیری و پول‌شویی حسین فریدون برادر حسن روحانی، فرار مدیر وزارت نفت با اختلاس ۱۰۰ میلیارد تومانی، اختلاس در صندوق ذخیره فرهنگیان که یکی از متهمان اصلی این پرونده با حدود ۵۰۰ میلیارد تومان بدهی از کشور گریخت، ماجرای گمشدن دو دکل نفتی با ارزش ۱۲۴ میلیون دلار، فساد در بنیاد شهید و امور ایثارگران، پرونده اختلاس در بیمه ایران و نقش رحیمی معاون اول احمدی‌نژاد در آن، پرونده فساد بزرگ نفتی و ماجرای مرتضوی و بابک زنجانی، پرونده فساد مالی مه‌آفرید، خاوری مدیرعامل وقت بانک ملی و محمد جهرمی که مجموعاً صدها تن در این پرونده‌ها محاکمه و صدها هزار میلیارد تومان به غارت رفت، به سطح علنی و مطبوعات کشیده شده است.

این پرونده‌های فساد که در نتیجه کشمکش و نزاع میان باندهای طبقه حاکم بر ایران علنی شدند، تنها گوشه بسیار کوچکی از فساد گسترده‌ای است که تمام ارکان نظم موجود را فراگرفته است. در نظم اقتصادی و سیاسی که بر ایران حاکم است، جز این هم نمی‌توان انتظار داشت. به دلایل اقتصادی و سیاسی، فساد فراگیر، ذاتی نظم اقتصادی-اجتماعی و سیاسی حاکم بر ایران است و نمونه‌های هم برای آن در سراسر جهان نمی‌توان یافت. واقعیتی که توده‌های کارگر و زحمتکش مردم ایران سال‌هاست به آن آگاه شده و برای ریشه‌کن کردن آن، به مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی و برانداختن نظم حاکم روی آورده‌اند.





اعتصابات کارگران پروژه‌های نفت و پتروشیمی از سر گرفته شد

روز دوشنبه ۵ اردیبهشت، صدها تن از کارگران پروژه‌های نفت و پتروشیمی در اعتراض به تحقق نیافتن مطالبات خود دست از کار کشیدند. کارگران پیش‌از این اعلام کرده بودند که چنانچه دو مطالبه فوری آن‌ها افزایش دستمزد ۵۷ درصدی و ۲۰ روز کار و ۱۰ روز استراحت، تا ۵ اردیبهشت عملی نشود، به اعتصاب سراسری متوسل می‌شوند. کارفرماها اما این مطالبات کارگران را بی‌پاسخ گذاشتند و کارگران امروز اعتصاب خود را عملی کردند.

بر طبق اخباری که تاکنون انتشار یافته، در روز دوشنبه، کارگران پروژه‌های شاغل در سایت ۱ پتروشیمی بوشهر، شرکت پتروکیان و شرکت پتروپالایش کنگان دست از کار کشیدند و به اعتصاب روی آوردند. هم‌زمان کارگران پروژه‌های شاغل در فاز ۱۹ عسلویه بوشهر برای دستیابی به مطالبات خود به اعتصاب پیوستند.

در چند روز گذشته نیز کارگران پتروشیمی آراین متانول در ۲۵ فروردین، کارگران پتروشیمی بوشهر، کارگران پروژه ساخت مخازن در پالایشگاه آدیش کنگان ۲۶ فروردین، کارگران نوبت‌کار شرکت نفت و گاز آغاچاری، کارکنان نوبت‌کار شرکت بهره‌برداری نفت و گاز مسجدسلیمان ۳۱ فروردین، کارگران شرکت بهره‌برداری نفت و گاز مارون و کارون در همین روز، کارگران شاغل در شرکت فرجود در سایت یک پتروشیمی بوشهر در عسلویه جاده پارسین به کنگان، ۴ اردیبهشت، اعتصابات و تجمع‌های اعتراضی برای تحقق مطالبات خود برپا کرده بودند که عمدتاً خواست آن‌ها افزایش دستمزد و اجرای طرح ۲۰ روز کار ۱۰ روز استراحت به علت فشار بالای کار، بوده است.

کارگران پروژه‌های نفت، گاز و پتروشیمی، همچنین، مکرر اعلام کرده‌اند که خواهان برچیده شدن بساط شرکت‌های پیمانکاری و استخدام رسمی‌اند.

سازمان فدائیان (اقلیت) از مطالبات برحق کارگران پروژه‌های نفت، گاز و پتروشیمی حمایت می‌کند و خواستار عملی شدن فوری این مطالبات است.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی

نابود باد نظام سرمایه‌داری

زنده‌باد آزادی - زنده‌باد سوسیالیسم

سازمان فدائیان (اقلیت)

۵ اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۱

کار، نان، آزادی - حکومت شورایی

**رژیم جمهوری اسلامی را باید
با یک اعتصاب عمومی سیاسی و
قیام مسلحانه برانداخت**

یورش طبقه حاکم به سفره کارگران و زحمتکشان از همان ابتدای سال

محروم شدن اکثریت بسیار بزرگ جامعه از خدمات درمانی مناسب درحالیست که حتی براساس قوانین جمهوری اسلامی، دولت موظف است این خدمات را برای تمامی افراد جامعه ارائه کند. برای نمونه در اصل ۲۹ قانون اساسی "جمهوری اسلامی آمده: "برخورداری از تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، ازکارافتادگی، بیسرپرستی، دررأه‌ماندگی، حوادث و سوانح، نیاز به خدمات بهداشتی درمانی و مراقبت‌های پزشکی به صورت بیمه و غیره، حقی است همگانی. دولت موظف است طبق قوانین از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایت‌های مالی فوق را برای یک یک افراد کشور تأمین کند".

جمهوری اسلامی اما با گذشت بیش از ۴۰ سال به قانون خود نیز عمل نکرده و حتی خواست مردم برای اجرای این اصل را با سرکوب پاسخ می‌دهد. جمهوری اسلامی نه تنها هیچ حمایت مالی از میلیون‌ها بیکار نمی‌کند و حتی به بیکارانی که تنها برای لقمه‌ای نان به دستفروشی، کولبری و سوختبری روی آورده‌اند بی‌رحمانه حمله کرده و گاه به قتل می‌رساند، بلکه با سیاست‌های آش و بویژه سیاست‌های اخیرش محرومیت کارگران و زحمتکشان از دارو و درمان مناسب را به اوج خود رسانده است. یکی از تازمترین سیاست‌های دولت که تأثیر بسیاری بر سفره کارگران و زحمتکشان دارد، افزایش بهای گندم و آرد مورد نیاز بخش‌های صنعتی، شیرینی‌پزی و مانند آن‌هاست که بهای برخی از کالاهای مورد نیاز مردم را حداقل تا دو برابر افزایش خواهد داد. حکومتی که بر سر افزایش حقوق و دستمزد کارگران و زحمتکشان تا این حد "ناخن‌خسک" است، به یکباره بهای آرد برای کارخانه‌ها و کارگاه‌های تولیدی را ۴۵۰ درصد افزایش داد.

پیش از این بهای گندم برای صنایع و صنوف تولیدی کیلویی ۲۷۰۰ تومان بود که دولت آن را به ۱۲ هزار تومان رساند و بدین‌ترتیب قیمت آرد نیز برای آن‌ها به حداقل ۱۶ هزار تومان خواهد رسید. رئیس هیات مدیره انجمن صنعتی کارفرمایان کارخانجات ماکارونی از پیشنهاد انجمن صنایع آرد برای تعیین قیمت ۱۹ هزار و ۸۰۰ تومان و پیشنهاد سازمان "حمایت از مصرف‌کننده" برای تعیین قیمت ۱۶ هزار و ۹۰۰ تومان برای هر کیلو آرد مصرفی کارخانجات به ستاد تنظیم بازار خبر داد.

مرتضوی رئیس هیات‌مدیره "انجمن آردسازان ایران" در گفتگو با خبرنگاری دولتی این‌ها گفت: "قیمت نهایی ماکارونی به زودی بیش از دو برابر خواهد شد و به کیلویی ۲۵ هزار تومان خواهد رسید". رئیس هیات مدیره انجمن صنعتی کارفرمایان کارخانجات ماکارونی نیز با بیان این‌که پیش از ۷۰ درصد هزینه‌های تولید ماکارونی مربوط به بهای تمام شده آرد است، گران شدن دو برابری تا ۵ برابری ماکارونی را

شایعه خواند و گفت "کارخانجات تولید ماکارونی منتظر اعلام نظر ستاد تنظیم بازار هستند!!" افزایش بیش از دو برابری بهای ماکارونی، در شرایطی که به دلیل افزایش بیش از ۱۰۰ درصدی بهای برنج و گندم برنج ایرانی درجه یک از کیلویی ۱۰۰ هزار تومان، بسیاری از مردم ماکارونی را جایگزین برنج کرده بودند، یورشی دیگر به سفره‌های کارگران و زحمتکشان از سوی دولت طبقه حاکم است. بدین ترتیب خرید ماکارونی نیز از توان بسیاری از مردم خارج می‌شود و تنها نان برای سفره‌های کوچک آن‌ها می‌ماند. اما جمهوری اسلامی برای نان نیز نقشه‌هایی دارد.

پیش از افزایش اخیر بهای گندم، بهای آرد نانوبی‌های پارانهای کیلویی ۸۰۰ تومان و آرد نانوبی‌های آزادپز ۱۲۰۰ تومان بود. حال با افزایش ۱۵۰ درصدی قیمت خرید تضمینی گندم و به‌دنبال آن بهای آرد، این سوال بوجود می‌آید که سیاست جمهوری اسلامی در رابطه با نان چه خواهد بود؟ بویژه آن‌که گرانی نان می‌تواند به شورش‌های خیابانی منجر شود.

پیش از این اخباری مبنی بر کاردی با کوپنی شدن نان منتشر شده بود که کم‌کم رنگ واقعیت به خود می‌گیرد. مسعود میرکامپی معاون ابراهیم رئیسی و رئیس سازمان برنامه و بودجه در گفتگو با روزنامه ایران برنامه کابینه برای صدور "کارت نان" را تأیید کرد. وی در همین رابطه درباره توزیع نان با کارت مخصوص در استان زنجان گفت: "این تنها یک نمونه است و هدف از آن هم این است که پارانها مستقیماً به مردم و مصرف‌کننده پرداخت شود و دیگر دست دلالان و واسطه‌ها نرود". اما مردم ایران به‌خوبی می‌دانند که قطع دست "دلالان و واسطه‌ها" کلمه رمز محروم کردن مردم است. شکی نیست که یکی از برنامه‌های دولت در اولین گام، محدود کردن خرید نان پارانهای و این که به هر فرد تعداد معینی نان پارانهای تعلق بگیرد. سپس هم نان گران می‌شود و هم نان پارانهای به بخش‌هایی از جامعه تعلق نخواهد گرفت. همان سیاستی که در دوره احمدی‌نژاد با عنوان عوام‌فریبانه "هدفمندسازی پارانها" کلید خورد و نتایج ویران‌گرش را امروز همه مردم ایران به‌خوبی مشاهده می‌کنند. همان زمان هرگونه مخالفت با "هدفمندسازی پارانها" ممنوع شده بود و فریب‌رز رئیس‌دانا تنها به خاطر مخالفت با آن به‌عنوان طرحی علیه منافع کارگران و زحمتکشان در یک گفتگوی رادیویی، به یک سال زندان محکوم و زندانی شد.

مسعود میرکامپی در همین گفتگو با روزنامه "ایران" در رابطه با سرنوشت ارز ۴۲۰۰ تومانی می‌گوید: "طبق قانون بودجه، اگر بخواهیم مطابق سال گذشته حرکت کنیم، باید حدود ۲۰ میلیارد دلار برای تأمین نهاده، کالاهای اساسی و دارو ارز داشته باشیم. در بودجه امسال ۲۵۰ هزار میلیارد تومان منابع ریالی برای این

امر در نظر گرفته شده که معادل نیمی از منابع دلاری سال گذشته، یعنی حدود ۱۰ میلیارد دلار است. بنابراین، شما نمی‌توانید با منابع ۱۰ میلیارد دلاری، تعهد ۲۰ میلیارد دلاری را انجام دهید پس قاعدتاً باید سیاستی را در پیش گرفت که اولاً با این ارز ۱۰ میلیارد دلار بتوانید مدیریت کنید و در ثانی آن چیزی که بیشترین نفع را به مردم می‌رساند و عادلانه است را اجرا کنید. این همان واقعیتی است که در برنامه دولت وجود دارد و مطالعات آن نیز در حال انجام است تا حتماً در زمانی که لازم شد اجرایی شود، به مردم اطلاع‌رسانی صورت گیرد. فعلاً برای تغییر در نوع بازپرداخت پارانها هیچ تصمیمی گرفته نشده است".

اول از این نکته شروع کنیم که براساس تبصره ۱۴ لایحه بودجه برای جبران حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی (از جمله پارانها گندم) تنها ۱۰۶ هزار میلیارد تومان در نظر گرفته شده‌است. این تبصره البته ردیف‌های دیگری نیز دارد که همان پارانهای نقدی و کمک‌های معیشتی است که جمع آن‌ها می‌تواند به مبلغی که میرکامپی گفته برسد.

حال با در نظر گرفتن این ارقام، ببینیم اساساً میزان مورد نیاز گندم و مصرف آن در کشور چگونه است و چقدر از این بودجه ادعایی میرکامپی تنها صرف می‌شود؟! به‌گفته‌ی مهاجر معاون زراعت و وزارت جهاد کشاورزی گندم مورد نیاز کشور سالانه ۱۲ میلیون تن است که از این میزان پیش‌بینی می‌شود ۴/۵ میلیون تن از کشاورزان خریداری شود. وی همچنین گفت ۲ میلیون تن دیگر نیز به‌عنوان ذخایر استراتژیک باید خریداری شود.

هم اکنون قیمت هر تن گندم بین ۴۵۰ تا ۵۰۰ دلار است. برای خرید ۹/۵ میلیون تن گندم ۴ میلیارد و ۵۰۰ میلیون دلار نیاز است. برای خرید ۴/۵ میلیون تن گندم از کشاورزان با قیمت هر کیلو ۱۲ هزار تومان نیز به ۵۴ هزار میلیارد تومان نیاز است. اگر ۴ میلیارد و ۵۰۰ میلیون دلار را نیز به ریال تبدیل کنیم با توجه به این که دیگر دلار ۴۲۰۰ تومانی نیست و خود میرکامپی نیز در گفته‌های بالا هر دلار را ۲۵ هزار تومان محاسبه کرده، به مبلغ ۱۱۲ هزار میلیارد تومان می‌رسیم. یعنی تنها خرید گندم حداقل ۱۶۶ هزار میلیارد تومان از کل مبلغ در نظر گرفته شده برای کالاهای اساسی از جمله گندم و نهاده‌های دامی و دارو و همچنین پارانهای نقدی و غیره را که در تبصره ۱۴ لایحه بودجه آمده می‌بلعد. تنها ۸۴ هزار میلیارد تومان باقی می‌ماند بعلاوه مبلغی که دولت از فروش گندم درآمد خواهد داشت که بخش کمی از آن به کارخانه‌ها و صنوف حدوداً با نرخ خرید داده می‌شود، اما بخش بسیار بزرگ آن مربوط به نان مردم است.

طبیعی‌ست که مبلغ باقی‌مانده نمی‌تواند پاسخ‌گوی نیازهای دارویی و تجهیزات پزشکی، نهاده‌های دامی و یا دیگر مواردی باشد که در تبصره ۱۴ لایحه بودجه آمده است. برای مثال براساس آمارهای سال گذشته تنها واردات نهاده‌های دامی بیش از ۱۵ میلیون تن بوده که بهای آن به بالای ۱۰ میلیارد دلار می‌رسد یعنی تنها هزینه‌های دلاری نهاده‌های دامی از کل مبلغی که در بودجه



بازداشت اعضای شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان و فعالان کارگری را شدیداً محکوم می‌کنیم

در آستانه اول ماه مه، رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی بازداشت و سرکوب فعالان کارگری و معلمان را تشدید کرده است. نیروهای امنیتی رژیم صبح روز شنبه ۱۰ اردیبهشت با یورش به منازل تعدادی از اعضای شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران، آن‌ها را بازداشت کردند. طبق گزارش‌هایی که تا ظهر امروز انتشار یافته، خبر بازداشت محمد حبیبی، جعفر ابراهیمی، علی‌اکبر باغانی و رسول بدایق تأیید شده است.

“شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران” روز ۴ اردیبهشت، فراخوان تجمع معلمان شاغل و بازنشسته را دریازده اردیبهشت (اول ماه مه) انتشار داده بود. این اقدام وحشیانه و سرکوبگرانه جمهوری اسلامی نشان‌دهنده هراس مرگبار رژیم از برگزاری مراسم اول ماه مه در ایران است.

چند روز پیش نیز تعدادی از فعالان کارگری در کردستان، نیشتمان رحمتی، سعید محمدی، عمر سلیمانی، فاتح مجیدی، افشین رشیدی و فواد فاروقی، پروین عبدالله پناه، حسن عزتی بازداشت شدند. همچنین دستگاه امنیتی رژیم در روزهای اخیر در تهران و برخی شهرهای دیگر تعدادی از فعالان کارگری را احضار و تهدید کرده است.

سازمان فدائیان (اقلیت) بازداشت و تهدید کارگران و معلمان را شدیداً محکوم می‌کند. بازداشت‌شدگان باید فوری و بی‌قید و شرط آزاد شوند.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی

نابود باد نظام سرمایه‌داری

زنده‌باد آزادی - زنده‌باد سوسیالیسم

سازمان فدائیان (اقلیت)

۱۰ اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۱

کار، نان، آزادی - حکومت شورایی

یورش طبقه حاکم به سفره کارگران و زحمتکشان از همان ابتدای سال

در نظر گرفته شده بیشتر است. واردات دارو و مواد اولیه بی‌کیفیت چینی و هندی نیز در سال گذشته حدود ۳ میلیارد دلار هزینه داشت. حال همگی این ارقام را در کنار مساله خشکسالی و معضل آب در ایران که منجر به کاهش تولیدات کشاورزی خواهد شد و نیز افزایش قیمت جهانی گندم، نهاده‌های دامی، روغن، دارو و غیره بگذاریم.

با یک حساب سرانگشتی، می‌توان فهمید که مبلغ در نظر گرفته شده برای جبران حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی و تامین کالاهای اساسی و دارو اساساً با واقعیت‌ها نمی‌خواند. همان‌طور که میرکاظمی خود نیز به آن اعتراف دارد و می‌گوید هزینه واقعی ۲۰ میلیارد دلار است، البته اگر تمامی کالاهای اساسی را در نظر بگیریم رقم واقعی از ۲۰ میلیارد دلار نیز بسیار بیشتر خواهد بود.

بدین ترتیب می‌توان سیاست رژیم را به‌راحتی متوجه شد. سیاست رژیم - همان‌طور که همواره نیز همین‌گونه بوده - این است که کمبود منابع مالی برای این کالاها با گران فروختن آنها، باید از جیب مردم تامین شود و بدون تردید با این بودجه و سیاستی که از جمله در رابطه با بهای گندم شاهدش هستیم، وضعیت در ماه‌های آینده باز اسفبارتر خواهد شد.

همان‌طور که ما بارها در نشریه کار به تحلیل وضعیت اقتصادی کشور و ریشه‌ها و دلایل بحران اقتصادی رکود - توری در ایران پرداختیم، طبقه حاکم و دولتی که در خدمت آن طبقه است، نه تنها قادر به حل بحران نیست، بلکه به دلایل ساختاری از جمله ویژگی‌های سرمایه‌داری در ایران و دولتی که نتیجه و برآمده از آن است، مدام بحران تعمیق می‌یابد. گذر زمان نیز این تحلیل را اثبات کرده است. راه حل بحران اقتصادی رکود - توری در ایران به آن‌چنان اقدامات رادیکال اقتصادی نیاز دارد که بورژوازی ایران هرگز توان انجام آن را نخواهد داشت.

حتا اقتصاددانان حامی مناسبات سرمایه‌داری که برخی از آن‌ها سری در حکومت داشته و به تناوب مسئولیت‌هایی نیز داشته‌اند به عدم کارایی سیاست‌های طبقه حاکم و وخیم‌تر شدن شرایط اقتصادی اذعان دارند.

وحید شفق‌ی شهری "استاد اقتصاد" دانشگاه خوارزمی (تربیت معلم سابق) یکی از این افراد است که بارها مسئولیت‌هایی نیز در ارگان‌های اقتصادی جمهوری اسلامی داشته است. در گزارشی که در بسیاری از رسانه‌های جمهوری اسلامی بازنشر شده است، وی با برشمردن تشدید تنها برخی از معضلات اقتصادی ایران در نتیجه‌ی سیاست‌های اقتصادی دولت، می‌گوید: "بحران صندوق‌های بازنشستگی، عملکرد نامناسب نظام‌های مالیاتی، بانکی و یارانه‌ای، بحران آب، افزایش ضریب جینی و بیشتر شدن شکاف طبقاتی و... همه چالش‌هایی هستند که

شده، ملی کردن بانک‌ها، بیمه‌ها و تمامی نهادهای مالی رنگارنگیست که در زمان جمهوری اسلامی شکل گرفته‌اند و البته این اقدامی نیست که هیچ جناحی از بورژوازی مایل و یا قادر به انجام آن باشد. تنها راه برای مردم ایران، برای کارگران و زحمتکشان، سرنگونی جمهوری اسلامی و برقراری حکومت شورایی کارگران و زحمتکشان است، حکومتی که با اقدامات رادیکال اقتصادی خود، ضمن حل بحران اقتصادی رکود - توری زمینه را برای گذار به یک جامعه سوسیالیستی فراهم خواهد ساخت.

اقتصاد ایران با آن‌ها روبرو است، برای حل آن‌ها نیز ما نیاز به اصلاحات ساختاری و عمیق در عرصه اقتصاد کشور داریم و تا زمانی‌که این کار انجام نشود، به هیچ عنوان نمی‌توان انتظار داشت که وضعیت تغییر پیدا کند. بنابراین باید یک جراحی سخت اقتصادی در کشور انجام شود، تا این وضعیت تغییر کند."

واقعیت اما این است که جمهوری اسلامی قادر به انجام کمترین اصلاحات اقتصادی نیست، چه رسد به "جراحی سخت اقتصادی". تنها یکی از اولین گام‌ها برای گذر از بحران اقتصادی رکود - توری و دیگر معضلاتی که کشور دچار آن

تصحیح :

در شماره ۹۶۶ نشریه کار صفحه ۵، دو کلمه از پایان مقاله "سیاست‌های راسیستی جمهوری اسلامی علیه پناهجویان ستمدیده افغان" چاپ نشده بود. در این شماره اصلاح می‌شود: "توده‌های ستمدیده ایران که سال‌ها ستم یک رژیم سرمایه‌داری قرون وسطایی مذهبی را تجربه کرده‌اند، همدرد توده‌های ستمدیده افغان هستند، دردمان مشترک است و راه حل این درد نیز مشترک".

یورش طبقه حاکم به سفره کارگران و زحمتکشان از همان ابتدای سال

مورد نیاز و ضروری مردم به صورت بی‌سابقه‌ای افزایش یافته، بلکه اساساً سیاست‌های حکومت "یکدست" و مورد علاقه شدید خامنه‌ای، نقش بارزی در افزایش سرعت گرانی و چند برابر شدن بهای بسیاری از کالاها حتا برخی از کالاهای اساسی را داشته است. دست بر روی هر کالا یا خدماتی که گذاشته شود، ردپای سیاست‌های دولت در افزایش آن دیده می‌شود. مثلاً افزایش نرخ برق به‌گونه‌ای بوده که فیش جدید برق به‌گفته‌ی مردم که در شبکه‌های اجتماعی بازتاب یافته آن‌ها را حیرت‌زده کرده است. همین معضل در رابطه با گاز و آب نیز مشاهده می‌شود که به اشکال و

بهبانهای گوناگون قبض پرداختی مردم افزایش یافته است. هزینه‌های دارویی و درمانی به یک معضل بزرگ برای تهیستان جامعه تبدیل شده و بسیاری از مردم از دارو و درمان مورد نیازشان محروم شده‌اند. جدا از حداقل ۶ میلیون نفری که فاقد بیمه خدمات درمانی هستند، ارائه خدمات از سوی شرکت‌های بیمه کمتر و بدتر از همیشه شده و شرکت‌های بیمه با بهرگیری از راه‌های گوناگونی که قوانین جمهوری اسلامی برای آن‌ها باز کرده، بار هزینه‌های دارویی و درمانی را بر دوش بیمه‌شدگان می‌اندازند.

در صفحه ۸

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت)
نامه‌های خود را به آدرس زیر ارسال نمایید.

سونیس:

Sepehri
Postfach 410
4410 Liestal
Switzerland

کمک‌های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آن را به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس‌های سازمان ارسال کنید.
شماره حساب:

نام صاحب حساب: Stichting ICDR

NL08INGB0002492097
Amsterdam, Holland

نشانی ما بروی اینترنت:

<https://www.fadaian-minority.org>

پست الکترونیک E-Mail:

info@fadaian-minority.org

کانال آرشیو نشریه کار ارگان سازمان فدائیان
(اقلیت) در تلگرام:

<https://t.me/karfadaianaghaliyat>

آدرس کانال سازمان در تلگرام:

http://T.me/fadaian_aghaliyat

آدرس سازمان در اینستاگرام:

<https://www.instagram.com/fadaianaghaliyat/>

آدرس سازمان در توئیتر

<https://twitter.com/fadaiana>

آدرس سازمان در فیس بوک

<https://www.facebook.com/fadaian.aghaliyat>

آدرس نشریه کار در فیس بوک

<https://www.facebook.com/kar.fadaianaghaliyat>

kar.fadaianaghaliyat

ای میل تماس با نشریه کار:

kar@fadaian-minority.org

KAR Organization
Of Fadaian (Aghaliyat)
No 9678 May2022



shora.tv@gmail.com

تلویزیون دکراسی شورایی

فریاد رسای کارگران و تمامی انسان‌های زحمتکش، شریف و ستم دیده‌ای است که برای آزادی و سوسیالیسم پیکار می‌کنند

اطلاعیه تلویزیون دموکراسی شورایی و آلترناتیو شورایی بینندگان تلویزیون دموکراسی شورایی، رفقا و همراهان

بدین‌وسیله به اطلاع شما می‌رسانیم که تلویزیون دموکراسی شورایی از تاریخ جمعه نهم مهرماه ۱۴۰۰ برابر با اول اکتبر ۲۰۲۱ کانال ماهواره‌ای ۲۴ ساعته تلویزیون آلترناتیو شورایی، کانال مشترک نیروهای چپ و کمونیست بر روی ماهواره یاه ست آغاز به کار خواهد کرد و تلویزیون دموکراسی شورایی به همراه تلویزیون‌های، برابری، پرتو و حزب کمونیست ایران/ کومله برنامه‌های خود را بر روی این کانال ماهواره‌ای پخش خواهد کرد. برنامه‌های تلویزیون دموکراسی شورایی را همچنین می‌توانید در سایت سازمان فداییان (اقلیت) و شبکه‌های اجتماعی فیس‌بوک و تلگرام و اینستاگرام و یوتیوب نیز دنبال کنید. از تاریخ نهم مهرماه برنامه‌های تلویزیون دموکراسی شورایی روزانه به مدت ۹۰ دقیقه خواهد بود و ساعات پخش برنامه‌های تلویزیون دموکراسی شورایی بدین قرار می‌باشد روزهای دوشنبه، چهارشنبه و جمعه از ساعت هشت تا نه و نیم شب به وقت ایران و در روزهای سه‌شنبه، پنجشنبه، شنبه و یکشنبه از ساعت شش و نیم عصر تا هشت شب به وقت ایران برنامه‌های خود را از ماهواره یاه ست پخش می‌کند. مشخصات ماهواره‌ای شبکه تلویزیونی آلترناتیو شورایی در ماهواره یاه ست؛ بدین قرار خواهد بود:

فرکانس 12594 - پولاریزاسیون ورتیکال یا عمودی - سمبول ریت 27500 - FEC: ۳/۲

مشخصات جدید تلویزیون دموکراسی شورایی را به اطلاع دوستان و آشنایان خود برسانید.

مشخصات ماهواره‌ای شبکه تلویزیونی

Alternative Shorai

Satellite: Yahsat

Frequency: 12594

Polarization: Vertical / عمودی

Symbol Rate: 27500

FEC: 2/3

آدرس ایمیل: shora.tv@gmail.com

شماره تلفن: ۰۰۴۵۳۶۹۹۲۱۸۷

<https://fadaian-minority.org> ، <https://tvshora.com>

فیس‌بوک: Shora shora، تلگرام: @tvshora

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی